Interdisciplinary Studies in Economics
Homepage: https://ise.qom.ac.ir
Online ISSN: 3115-7181

A Model for Organizing the Functions of Money Based on Islamic Rules and Requirements

Mohammad Ali FarahaniFard[1]

1. Assistant Professor, Qaed Shahid Research Institute for Specialized Jurisprudence, affiliated with the Higher Institute of Islamic Jurisprudence and Sciences, Qom, Mali.farahani@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 23 February 2026
Received in revised form
29 May 2026
Accepted 16 August 2026
Available online
15 November 2026

Keywords:
Functions of Money, Organizing Model, Islamic Rules and Requirements, Functional Substitutes for Money.

ABSTRACT

Contemporary monetary systems generally face serious difficulties in regulating the functions of money, as the disproportionate dominance of one function creates a misalignment between the monetary and real sectors of the economy. The Islamic economics literature likewise lacks a coherent account of these functions. Adopting a modelling approach grounded in Islamic jurisprudential findings, this study develops a structured model for organising the functions of money. The findings indicate that balance among these functions can be achieved only by placing the **liquid store-of-value function** at the centre, while observing its Sharia-defined boundaries, including restrictions on hoarding and speculation aimed at preventing disruption to the economic system. On this basis, the proposed model comprises three layers. The first organises the primary functions of money by specifying the permissible scope of each. The second aligns its ancillary functions—commodity-related, real-sector, and institutional—with the objectives of Islamic economics. The third provides for the rule-governed use of non-monetary functional substitutes to offset supply constraints and prevent the spillover of sector-specific volatility. Together, these three layers offer a coherent framework for achieving the desired monetary configuration in an Islamic economy.

Cite this article: FarahaniFard, MohamadAli. (2026). **A Model for Organizing the Functions of Money Based on Islamic Rules and Requirements**, *Interdisciplinary Studies in Economics*, *4* (2), 1-20.
http//doi.org/000000000000000000

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.
Publisher: University of Qom.
DOI: http//doi.org/00000000000000000000

شاپا الکترونیکی: ۷۱۸۱-۳۱۱۵

الگوی سامان‌دهی کارکردهای پول بر اساس ضوابط و الزامات اسلامی

محمدعلی فراهانی فرد[۱]

۱. استادیار گروه اقتصاد، پژوهشکده فقه‌های تخصصی قائد شهید، مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران. رایانامه: Mali.farahani@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۲۴

کلیدواژه‌ها:
کارکردهای پولی،
الگوی سامان‌دهی،
ضوابط و الزامات،
جانشین‌های کارکردی پول

چکیده

نظام‌های پولی رایج عموماً با اختلال‌های جدی در تنظیم کارکردهای پول مواجه‌اند؛ به‌طوری‌که غلبه نامتوازن یکی از کارکردها موجب ناهماهنگی بخش پولی با بخش واقعی اقتصاد شده است. در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز، تصویر منسجمی از کارکردهای پول ارائه نشده است. پژوهش حاضر با رویکرد «الگوسازی مبتنی بر نتایج فقهی»، به طراحی الگویی ساختاریافته برای سامان‌دهی کارکردهای پول می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد توازن میان کارکردهای پول تنها با محوریت «کارکرد ذخیره ارزش نقد» و با رعایت مرزهای مشروع آن (نظیر پرهیز از کنز و سفته‌بازی به‌منظور جلوگیری از اختلال در نظام اقتصادی) امکان‌پذیر است. بر پایه این منطق، الگوی پیشنهادی در قالب ساختاری سه‌لایه تدوین شده است. لایه نخست به سامان‌دهی کارکردهای اصلی پول با تعیین محدوده مجاز هر کارکرد اختصاص دارد. لایه دوم کارکردهای تبعی (کالایی، واقعی و نهادی) را در راستای اهداف اقتصاد اسلامی تنظیم می‌کند و لایه سوم به بهره‌گیری ضابطه‌مند از جانشین‌های کارکردی غیرپولی برای جبران محدودیت‌های عرضه و پیشگیری از سرایت تلاطمات بخشی می‌پردازد. این ساختار سه‌لایه، چارچوبی منسجم برای دستیابی به وضعیت مطلوب پول در اقتصاد اسلامی ارائه می‌دهد.

استناد: فراهانی‌فرد، محمدعلی،(۱۴۰۵). **الگوی سامان‌دهی کارکردهای پول بر اساس ضوابط و الزامات اسلامی**. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۴ (۲).
http//doi.org/000000000000000000000000

ناشر: دانشگاه قم.

© نویسندگان.

مقدمه

وضعیت موجود کارکردهای پولی در نظام‌های پولی فاصله زیادی از ضوابط و الزامات اسلامی دارد. در این نظام‌ها، توسعه و سامان‌دهی کارکردهای اصلی پول عمدتاً بر اساس منطق کارکردها صورت نمی‌پذیرد و پویایی و توازن میان کارکردهای اصلی یا اساساً مورد توجه قرار نمی‌گیرد یا دچار اختلال و گرایش نامتوازن و غیرمنطقی به یکی از کارکردهاست. کارکردهای کالایی، واقعی و نهادی پول نیز هرکدام با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند. از حیث کارکرد کالایی، پول گاهی به‌عنوان کالای خصوصی محض لحاظ می شود و گاهی نیز نقش سایر ذی‌نفعان در آن نادیده گرفته می شود. کارکرد واقعی پول نیز فاقد تنظیم متوازن و هدفمند است و این امر گاهی موجب تداخل کارکردهای پولی و بخش واقعی شده و مشکلات را پیچیده‌تر می‌کند. در نهایت، کارکرد نهادی نیز عمدتاً در جهت منافع ناشر و برخی ذی‌نفعان قدرتمند تنظیم شده و منافع عمومی جامعه و اقشار ضعیف نادیده گرفته می‌شود(توتونچیان، ۱۳۷۹: ۳۹-۴۰ و ۸۳). برآیند این نارسایی‌ها، طراحی الگویی برای کارکردهای پولی در قالب نظامی هماهنگ را ایجاب می‌کند.

با توجه به اختلالات کارکردی نظام‌های پولی رایج و فاصله آشکار آن‌ها از چارچوب اسلامی، طراحی الگویی که بتواند ضوابط کارکردی پول را بر اساس ادله اسلامی تأمین کند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این مقاله بر آن است تا بر اساس ضوابط و الزامات کارکردهای اصلی، کالایی، واقعی و نهادی پول، الگویی را پیشنهاد دهد که تأمین‌کننده ضوابط کارکردی فوق باشد. هدف این الگو نه‌تنها تأمین تمام کارکردهای پول، بلکه تضمین جریان پول در مرزهای مشروع، ایجاد توازن منطقی میان کارکردها و هماهنگی بخش پولی با اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام است. افزون بر این، برای مقابله با محدودیت‌های احتمالی عرضه پول و جلوگیری از سرایت مشکلات بخشی، به معرفی و تبیین نقش جانشین‌های کارکردی غیرپولی پرداخته می شود. این الگو در چارچوبی چندلایه برای مدیریت کارکردهای مختلف پولی تنظیم می‌شود.

پیشینه پژوهش

نظریات اندیشمندان غیر اسلامی درباره کارکردهای پول در چند محور خلاصه می شود. این نظریات عمدتاً بر محور واسطه مبادله گسترش یافته است(میشکین، ۱۳۹۲، ص۶۳). در مقابل، برخی اقتصاددانان و دانشمندان دیگر به کارکرد ابزار سنجش ارزش در پول توجه ویژه نموده‌اند(درودیان، ۱۴۰۰، ص۲۴-۲۶). اسمیت بر این کارکرد در کنار کارکرد وساطت مبادله تأکید می‌کند(تفضلی، ۱۳۸۷، ص۱۸). کینز این کارکرد را مفهوم بنیادین و اساسی نظریه پولی می‌داند که مقدم بر سایر کارکردهای پول است(*Smithin, 2000, p4, p18, p21*). مارکس بر اهمیت کارکرد ذخیره ارزش تأکید می‌کند و لذا پول را نشان‌دهنده ارزش فراگیر کالاها در قالب کار خالص و انتزاعی می‌داند(*Palgrave, 2018, "Money in economic activity", p9046,49-50; Ingham, 2004, p61*).

مهم‌ترین اشکال این نظریات آن است که هیچ‌یک از آن‌ها ترابط منطقی میان کارکردهای پول را در نظر نگرفته‌اند و بسیاری از آنان در تبیین کارکرد محوری پول، به وضعیت اقتصادی خاصی استناد کرده‌اند و آن را به تمام حالات تعمیم داده‌اند؛ در حالی که چنین تعمیمی صحیح نیست و هر وضعیت اقتصادی مقتضیات پولی و غیرپولی خود را دارد. افزون بر این، هیچ‌یک از این رویکردها درصدد شناسایی کارکرد محوری مطلوب نبوده‌اند و محدوده‌ای نیز برای کارکردهای مذکور تعیین نکرده‌اند.

اندیشمندان اسلامی نیز در بررسی این مسأله، با توجه به اهمیت عدالت در نگاه خود، بر کارکرد برقراری عدالت و برابری میان اموال تأکید کرده‌اند. ترابط منطقی میان برخی از کارکردهای پول مانند برابرکنندگی از طریق سنجش ارزش مورد توجه برخی از اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است و برخی دیگر نیز به همبستگی کارکردهای پول اشاره کرده‌اند.

خواجه نصیرالدین طوسی کارکرد پول را برقراری تساوی میان دو طرف معامله و واسطه‌گری میان آن دو می‌داند. از نظر ایشان، پول ایجاد تساوی را از طریق اندازه‌گیری ارزش کالاها انجام می‌دهد. بنابراین، کارکردهای پول از نظر ایشان به ترتیب عبارت‌اند از: اندازه‌گیری ارزش، برابرسازی ارزش و سپس واسطه‌گری در مبادله (طوسی، ۱۳۴۶: ۱۰۳).

غزالی در احیاء علوم الدین با تأکید بر کارکرد سنجش ارزش و وساطت مبادله، غرض از خلقت درهم و دینار را همین دو کارکرد معرفی می‌کند: ۱) کارکرد سنجش ارزش: غزالی از این کارکرد به حکم عادلانه میان اموال تعبیر می‌کند تا نسبت میان اموال برای معاملات روشن گردد؛ ۲) کارکرد واسطه مبادله: از نظر وی از آنجا که اولاً طلا و نقره کمیابی ذاتی دارند، ثانیاً غرضی

در اعیان آن‌ها نیست و ثالثاً نسبت آن‌ها به سایر اموال مساوی است، پول می‌تواند جایگزین همه چیز شود و هرکس پول داشته باشد، گویی همه چیز را مالک است. در نگاه وی، پول مانند آیینه بی‌رنگ است و شکل خاصی ندارد و ازاین‌رو می‌تواند مانند آیینه هر رنگی را نشان دهد و به شکل هر چیزی درآید؛ همان‌طور که حرف فی‌نفسه دارای معنا نیست ولی معانی دیگر کلمات به وسیله آن روشن می‌شود، در خود پول نیز غرض و فایده‌ای نیست و در عین حال، وسیله به‌دست‌آوردن تمام اغراض است (غزالی، ۱۹۹۳، ج۱۲: ۸۳-۸۶).

علامه طباطبایی (ره) معتقد است انسان در مواجهه با مشکلات مبادلات تهاتری شامل اختلاف تام اموال و کالاها در نوع، شدت نیاز و وفور نسبی، ارزشی را اعتبار کرده است که قیمت سایر اشیاء با آن تعیین می‌شود. بنابراین، کارکرد اصلی پول از نظر ایشان سنجش ارزش است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۲: ۴۱۸).

شهید صدر (ره) معتقد است اگرچه ظهور مبادلات پولی زمینه سوءاستفاده از کارکردهای پول را فراهم آورده و موجب شکل‌گیری پدیده کنز و تجمید پول، عدم توازن عرضه و تقاضا، احتکار، ربا و در نهایت انباشت ثروت نزد گروه خاصی از جامعه و عدم توازن اجتماعی شده است، اسلام با تحریم کنز و وضع مالیات سالانه بر پول راکد، تحریم ربا و جعل اختیاراتی برای ولی فقیه به‌منظور نظارت و اشراف بر امور اقتصادی، از خروج پول از کارکردهای طبیعی آن، یعنی جانشین عام کالاها، ابزار سنجش ارزش و تسهیل مبادله، جلوگیری کرده است (صدر، ۱۴۱۷ق: ۳۵۳-۳۵۷). از نظر ایشان، اسلام با تحریم برخی صورت‌های منفی ذخیره ارزش آن را در راستای اهداف خود مدیریت کرده است.

شهید بهشتی (ره) کارکرد اصلی پول را واسطه مبادله میان کالاها معرفی می‌کند و معتقد است پول این کار را از طریق نوعی حواله انبار انجام می‌دهد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۶۴-۶۶).

شهید مطهری (ره) نیز در میان کارکردهای پول بر کارکرد واسطه مبادله تأکید می‌کند و منشأ ارزشمندی پول را قابلیت تبدیل آن به سایر کالاها، یعنی همین کارکرد واسطه مبادله، می‌داند (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۷۵-۱۷۷).

داودی وظایف پول را دارای همبستگی می‌داند و معتقد است که وظیفه واسطه مبادله و معیار سنجش ارزش از وظیفه ذخیره ارزش قابل تفکیک نیست؛ زیرا پول برای حل مشکلات مبادلات پایاپای به وجود آمده و این مشکلات بدون لحاظ کارکرد ذخیره ارزش قابل حل نیست. یکی از این مشکلات، مشکل ذخیره کالاهای خاص برای حفظ قدرت خرید بود. ذخیره این کالاها علاوه بر هزینه انبارداری، مشکل فروش سریع و بدون هزینه و خسارت کالای انبارشده در مواقع نیاز به کالای دیگر را نیز در پی داشت. مشکل مذکور از ماهیت مبادله پایاپای خالص ناشی می‌شود و ارائه راهکار بدون توجه به منشأ آن نمی‌تواند این مسأله را به شکل کامل مرتفع کند. از سوی دیگر، معیار سنجش ارزش بدون داشتن ارزش امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، چون پول برای انسان دارای فایده است و نیازی از نیازهای انسان را برآورده می‌کند و دارای کمیابی نسبی است، مورد رغبت و مقبولیت عامه قرار گرفته و دارای ارزش و مالیت است (داودی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۳).

توتونچیان بر اساس معنای کینزی[1] ذخیره ارزش (انگیزه سفته‌بازی و خروج پول از چرخه مبادلات واقعی) معتقد است این کارکرد با کارکرد واسطه مبادله منافات دارد و لذا پول در اسلام نمی‌تواند به این معنا ذخیره ارزش باشد؛ وی تصریح می‌کند: «پول در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند ذخیره ارزش باشد زیرا وظیفه واسطه مبادله و ذخیره ارزش حتی در اقتصاد سرمایه‌داری در تناقض با یکدیگر هستند و به طریق اولی در اقتصاد اسلامی نمی‌توان پول را ذخیره ارزش دانست» (توتونچیان، توتونچیان، ۱۳۷۹: ۲۰ [مقدمه]، ۱۰۴ و ۱۱۰). وظیفه ذخیره ارزش به معنای کینزی با به‌رسمیت‌شناختن وجود بازار برای پول و تقاضای سفته‌بازی گسترش یافته است؛ در حالی که پیش از کینز اگر از این وظیفه سخن به میان می‌آمد به معنای ظاهری و سطحی آن بود. اما کینز، منشأ رجحان نقدینگی در شرایط رکودی را تقاضای سفته‌بازی معرفی نمود و نرخ بهره را علامتی بر وجود این تقاضا در اقتصاد دانست (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۳۹-۴۰ و ۸۳). از این منظر، همیشه مقادیری از پول به منظور سودجویی کنز می‌شود (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۱۲۸). وی بر اساس این مبانی، تنها دو وظیفه واسطه مبادله و سنجش ارزش را

---

۱ قیمت سایه در این مقاله، به قیمت **غیرمستقیم و تبعی پول** اشاره دارد که بر اساس میزان سوددهی مشارکت در فعالیت‌های واقعی اقتصادی تعیین می‌شود و در برابر نرخ بهره قرار دارد.

وظیفه اصلی پول می‌داند و در مقابل، ذخیره ارزش را وظیفه‌ای انحرافی و مرتبط با بحث ربا، کنز و سفته‌بازی پول معرفی می‌کند؛ وی معتقد است پول در اقتصاد اسلامی انباره نبوده بلکه ماهیتی جریانی و روانه دارد (توتونچیان، ۱۳۶۸: ۹۱). ازاین‌رو، از نظر وی به علت تلازم کارکرد ذخیره ارزش در مفهوم مدرن آن با تقاضای سفته‌بازی، کنز پول و دیگر اختلالات اقتصادی، این کارکرد پول در اقتصاد اسلامی موضوعیت ندارد.

در مقابل، اشکالاتی از سوی برخی محققان به این دیدگاه وارد شده است (عربی و میثمی، ۱۳۹۸: ۶۹؛ داودی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۸). چنان‌که روشن است، معنای ذخیره ارزش به معنای کینزی آن اختصاص ندارد و آن معنایی که کارکرد واقعی پول در تمام شرایط اقتصادی است همان معنای لغوی ذخیره ارزش است. ازاین‌رو، نفی کل کارکرد ذخیره ارزش بر اساس معنای کینزی آن امکان‌پذیر نیست.

امیدوار و همکاران نشان داده‌اند که بخش مهمی از چالش‌های کارکردی پول، ناشی از انحراف پول از سیالیت در بخش حقیقی است. این مقاله، قاعده سیالیت پول (حرمت کنز پول) را از منظر فقهی-شرعی بررسی کرده است؛ نویسندگان معتقدند با ظهور فناوری‌های مالی نوین مانند پول دیجیتال بانک مرکزی ($CBDC$)، امکان رصد دقیق جریان پول و پیاده‌سازی سیاست‌هایی برای اعمال هزینه بر پول راکد (نظیر ایده «پول ممهور»[1] گزل[2]) فراهم شده است. این فناوری‌ها می‌توانند ابزار تحقق هدف غایی این حکم فقهی، یعنی تضمین خدمت پول به اقتصاد واقعی، جلوگیری از بحران‌های مالی و حذف کامل رانت حاصل از کمیابی سرمایه (مرگ تدریجی رانت‌خوار[3]) باشند (امیدوار و همکاران، ۱۴۰۴).

درباره سایر کارکردهای تبعی پول نیز نظریات مختلفی وجود دارد. درباره کارکرد کالایی پول، برخی آن را کالای غیراقتصادی و برخی اقتصادی، برخی کالای خصوصی و برخی کالای عمومی محض، برخی کالای مشترک و برخی عمومی غیرمحض عنوان کرده‌اند. از نظر عربی و میثمی، منع شرعی از ویژگی‌های پول به‌عنوان کالای خصوصی در اقتصاد اسلامی به چشم نمی‌خورد (عربی و میثمی، ۱۳۹۸: ۶۶)؛ از نظر توتونچیان ویژگی‌هایی در پول از دیدگاه اسلامی وجود دارد که آن را به کالای عمومی غیرمحض تبدیل می‌کند (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۸۲ و ۹۲). از دیدگاه عیوضلو، عدالت اجتماعی مقتضی عدم سوءاستفاده دولت از جایگاه خود در نشر پول و همچنین مسئولیت همگان در حفظ ارزش پول است و بر این اساس، وی معتقد است پول باید یک کالای مشترک تلقی شود (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۳۶-۴۴).

درباره کارکردهای پول در بخش واقعی نیز دیدگاه‌هایی وجود دارد، اما اقتصاددانان اسلامی همگی معتقد به ارتباط بخش پولی و واقعی در اقتصاد اسلامی هستند و بر همین اساس، سازوکارهای مختلف انتقال را بررسی کرده‌اند(فراهانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص۷۹). این سازوکارها از طریق تأثیر بر کارکردهای مختلف پول و ترجیح برخی از آن‌ها بر یکدیگر عمل می‌کنند. کارکردهای نهادی پول، فرازونشیب‌های مختلفی داشته است؛ انواع مختلف پول در بستر روابط نهادی-اجتماعی جدیدی جریان می‌یابند یا از طریق کارکردهای اصلی خود، روابط نهادی-اجتماعی جدیدی را در نظام اقتصادی شکل می‌دهند.

مقاله حاضر معتقد است پول با حفظ تمام کارکردهای اصلی و تبعی خویش می‌تواند نقش مفیدی در اقتصاد داشته باشد. ازاین‌رو، مقاله درصدد است با بررسی ترابط منطقی یکپارچه میان کارکردهای مختلف پول و شناسایی کارکرد محوری مطلوب در پول، به ارائه الگویی برای سامان‌دهی کارکردهای اصلی و تبعی پول در نظامی واحد بپردازد. بنابراین، نوآوری نخست مقاله ارائه الگویی جامع با ملاحظه نکات فوق است و نوآوری دیگر آن، توجه به نقش جانشین‌های کارکردی در تکمیل کارکردهای پول است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل مفهومی و استدلال منطقی و با رویکرد «الگوسازی مبتنی بر نتایج فقهی» انجام شده است. مباحث و مستندات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای در دو حوزه فقه و اقتصاد پولی گردآوری شده و مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند.

---

1 Keynesian

2 Stamped Money

3 Silvio Gesell

در بخش نخست، کارکردهای اصلی پول و روابط منطقی میان آن‌ها تحلیل می‌شود و با مراجعه به ادله و دیدگاه‌های فقهی مرتبط و با لحاظ تمایز میان رفتار فردی و پیامدهای مجموعی آن در نظام اقتصادی، حدود مشروع و اصول سامان‌دهی این کارکردها صورت‌بندی می‌شود. در بخش دوم، با تکیه بر تحلیل کارکردهای اصلی و ضوابط و اهداف اسلامی، الزامات تنظیم کارکردهای تبعی پول در ابعاد کالایی، واقعی و نهادی تبیین می‌شود. در بخش سوم، ظرفیت جانشینی غیرپولی برای هریک از کارکردهای اصلی بررسی و سازوکارهای پیشنهادی و ضوابط ناظر بر به‌کارگیری آن‌ها ارائه می‌شود. در ادامه، لوازم منطقی و عقلایی این ضوابط در تنظیم روابط میان کارکردهای پول تحلیل و در قالب الگویی مفهومی و سه‌لایه، شامل سامان‌دهی کارکردهای اصلی، تنظیم کارکردهای تبعی و بهره‌گیری از جانشین‌های کارکردی غیرپولی، ترکیب می‌شود.

بنابراین، پژوهش درصدد استنباط تفصیلی احکام فقهی و یا آزمون تجربی الگوی پیشنهادی نیست، بلکه بر تبیین چگونگی امتداد نتایج فقهی در طراحی ساختاری هماهنگ برای کارکردهای پول تمرکز دارد.

الف) سامان‌دهی کارکردهای اصلی پول

در لایه اول لازم است اصولی برای مدیریت کارکردهای اصلی پول رعایت شود. هنگام بررسی الزامات کارکردی پول از منظر فقهی، باید میان سطح «خرد» (رفتار فردی مکلفان) و سطح «کلان» (سیستم اقتصادی و پیامدهای اجتماعی آن) تفاوت قائل شد. در برخی موارد، یک کارکرد یا رفتار پولی دارای مفسده ذاتی است و شارع به نحو مطلق و در سطح فردی از آن نهی کرده است (مانند ربا)؛ اما در موارد دیگر، رفتار انفرادی به‌خودی‌خود فاقد مفسده ملزمه است، لکن چنانچه آن رفتار به یک رویه عمومی و پدیده کلان اقتصادی تبدیل شود، به دلیل اندراج ذیل عناوینی مانند اختلال نظام، ایجاد مفسده یا ضرر عمومی ملزمه، مورد نهی قرار می‌گیرد. بنابراین، منظور از «مفسده در تحقق مجموعی» در این پژوهش، همان بروز پیامدهای نامطلوب در سطح کلان است که از منظر فقهی به واسطه برخی عناوین ثانویه و قواعدی چون حرمت اختلال نظام، موضوع حکم تحریم یا دخالت حاکم اسلامی واقع می‌شود. این تفکیک در کارکردهای مختلف پول تطبیق خواهد شد.

کارکرد واسطه مبادله در پول در راستای تحقق غرض و ساطت مبادله مشروعیت می‌یابد؛ مشکلات مبادلات تهاتری و عدم کفایت روابط مبتنی بر خدمات جبرانی موجب شکل‌گیری نیاز به پول شده است و همین نیاز منشأ تحقق کارکرد واسطه مبادله است و با استمرار این نیاز، کارکرد واسطه مبادله نیز ضروری خواهد بود. به لحاظ عقلایی نیز چنین کارکردی تأمین‌کننده غرض عقلایی از پول است و عقلا آن را برای تسهیل امور زندگی ضروری می‌دانند و اعتبار پول را بدون آن لغو می‌شمارند. این غرض عقلایی نه‌تنها مورد ردع واقع نشده بلکه بر اساس سیره شارع در مواجهه با پول به امضاء رسیده است. بر این اساس، تحقق خارجی آن نیز مشروع خواهد بود. مشروعیت این کارکرد در روایت توحید مفضل (مفضل، بی‌تا: ۸۵ و ۱۵۳) نیز مورد اشاره واقع شده است. بر اساس فرمایش امام ع: «... وَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ لِلْمُعَامَلَةِ وَ الذَّخِيرَةِ» طلا و نقره برای معامله و ذخیره فراهم آمده است. با وجود این، کارکرد مذکور اولاً نباید به معاملات سفته‌بازانه منجر شود و ثانیاً با توجه به نیاز ضروری به این کارکرد نباید اموری منجر به ترک این کارکرد شوند. این ضوابط و الزامات در برخی موارد به شکل انفرادی و در برخی موارد دیگر به شکل پدیده اقتصادی مصداق می‌یابند. برای مثال، کارکرد واسطه مبادله در صورتی که منجر به سفته‌بازی به شکل پدیده اجتماعی و رویه اقتصادی در جامعه شود به علت ایجاد اختلال در نظام اقتصادی، حرام خواهد بود.

کارکرد سنجش ارزش نیز لازمه و شرط تحقق وساطت مبادله است و بدون سنجش ارزش ولو به شکل مستقل، وساطت مبادله پولی محقق نمی‌شود. تحقق کارکرد سنجش ارزش خارج از پول امکان‌پذیر است اما به لحاظ عقلایی، عقلا برای تسهیل مبادلات و امور اجتماعی، کارکردهای پول را در وجودی واحد تجمیع می‌کنند. این لازمه عقلی و عقلایی در پول به نحو نکته ارتکازی مورد امضاء واقع شده است؛ مطابق موثقه اسحاق بن عمار، «کل ما خلا الدراهم من ذهب أو متاع فهو عرض مردود ذلک إلی الدراهم فی الزکاة و الدیات» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۳: ۵۱۷). لازمه اینکه تمام کالاها در تعیین ارزش به پول بازمی‌گردند و ارزش همه آن‌ها با پول تعیین می‌شود، مشروعیت این کارکرد است.

اما این کارکرد نیز با ضوابطی در پول جریان می‌یابد. از یک‌سو، حفظ این کارکرد در پول ضروری است و آنچه موجب خروج پول از این کارکرد شود نا صواب تلقی می شود و از سوی دیگر، انحصار کارکردهای پول در این کارکرد نیز نادرست به شمار می‌آید. سنجش ارزش در این محدوده نیز باید به شکل میزانی مستقیم و بدون انحراف باشد تا از یک‌سو موجب غرر یا جهالت در

مبادلات پولی و حتی غیرپولی نشود و از سوی دیگر، ایفای کامل و عادلانه پول و سایر کالاها دچار بخس و اخسار نگردد. لازمه احتراز از امور سلبی مذکور و در مقابل، دستیابی به امور ایجابی فوق، انضباط، ثبات و استقرار پول است. البته خلل و نقصان در کارکرد سنجش ارزش در برخی صور مانند غش در پول به علت منجر شدن به عدم ایفای اموال دیگران دارای حرمت انفرادی است و در برخی صور دیگر تنها به شکل پدیده اجتماعی جایز نیست. برای مثال، اگر انجام برخی مبادلات با پول، نگهداری پول و یا اعمال برخی سیاست‌های پولی موجب شود که پول نتواند وظایف مربوط به سنجش ارزش را به‌درستی انجام دهد، بر اساس قاعده حرمت اختلال نظام متصف به حرمت خواهد شد. از نظر علامه طباطبایی (ره)، کنز پول موجب اشکال در ارزش‌گذاری کالاها نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۹: ۲۶۳). البته اشکال ایشان تنها در فرض کمیابی پول یا معتنابه‌بودن مقدار پول کنزشده وارد است.

کارکرد ذخیره ارزش نیز در صورت خاص آن، یعنی ذخیره ارزش عام و نقد، کارکردی است که در واقع تحقق خارجی غرض قریب پول است و این غرض ذات اعتباری پول را تشکیل می‌دهد. به لحاظ عقلایی نیز پول بدون کارکرد ذخیره ارزش به علت لغویت بی‌معنا است. این نکته عقلی و عقلایی به نحو نکته ارتکازی در پول امضاء شده است و در روایاتی مانند توحید مفضل مورد اشاره واقع شده است (مفضل، بی‌تا: ۸۵ و ۱۵۳).

در موثقه اسحاق بن عمار آمده است: «لأن عین المال الدراهم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۳: ۵۱۷). «عین المال» به معنای چیزی است که دارای ارزش صرف، مطلق، کامل، تام و مجرد از عوارض است. چیزی که دارای ارزش صرف است به لحاظ عقلایی متصور نیست که ذخیره ارزش نباشد، زیرا اعتبار ارزش صرف بدون لحاظ بقای آن نقض غرض است؛ این تعبیر حاکی از نقش محوری کارکرد ذخیره ارزش در میان کارکردهای پول است.

اما این کارکرد نیز همانند سایر کارکردها نباید به‌گونه‌ای باشد که در جانب افراط به کنز پول منجر شود و در نتیجه سایر کارکردهای پول را دچار اشکال کند یا در جانب تفریط موجب بی‌ارزش شدن پول یا عدم توانایی آن برای ذخیره مناسب ارزش و خروج پول از کارکرد ذخیره ارزش شود. پول در اقتصاد اسلامی باید بتواند ارزش را در خود به میزان تأمین نیاز مبادلاتی و ذخیره ارزش متعارف ذخیره کند. همین محدوده مجاز نیز نباید به قصد معاملات حرامی مانند سفته‌بازی با خود پول یا معاملات سفته‌بازی غیرپولی و همچنین سایر امور نامشروع مانند احتکار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵: ۱۶۴) انجام شود. این کارکرد نیز گاهی به نحو انفرادی متعلق احکام شرعی واقع شده و گاهی نیز احکام شرعی به نحو مجموعی به آن تعلق می‌یابد. بر اساس الغای خصوصیت از دلیل کنز به مطلق پول، در صورتی که ذخیره ارزش منجر به کنز پول شود این کارکرد به نحو انفرادی نیز حرام است؛ اما بر اساس عدم پذیرش الغای خصوصیت، اگر در پدیده اجتماعی، پول تماماً به ابزار ذخیره ارزش تبدیل شود و از کارکرد واسطه مبادله فاصله بگیرد و موجب کمبود پول در جامعه شده و اسباب سختی مبادلات را فراهم آورد، به شکل مجموعی و پدیده اجتماعی حرام است.

بر این اساس، پول با محوریت کارکرد ذخیره ارزش نقد، توان ایفای کارکرد ابزار سنجش و در نتیجه کارکرد واسطه مبادله را می‌یابد. در نتیجه، وضعیت مطلوب کارکردهای پولی، حفظ توازن منطقی میان کارکردها در محدوده مجاز هر کارکرد با محوریت کارکرد ذخیره ارزش نقد است و بهترین پول به لحاظ کارکردی، پولی است که با هدف تأمین کارکرد وساطت مبادله و بر محور کارکرد ذخیره ارزش نقد، میان کارکردهای سه‌گانه پول توازن منطقی ایجاد کند. هرگونه فاصله‌گرفتن از کارکرد ذخیره ارزش به افزایش سفته‌بازی در برخی شرایط و تضعیف واحد پولی و انتقال به سایر دارایی‌های موازی برای نگهداری سرمایه منجر می‌شود. فاصله‌گرفتن از کارکرد واسطه مبادله نیز به پدیده کنز منجر می‌شود و فاصله‌گرفتن از کارکرد سنجش ارزش موجب تضعیف واحد پولی یا کنارگذاشتن آن می‌شود. بنابراین، باید نقطه مناسبی میان کارکردهای پول انتخاب نمود که با حفظ تمام کارکردهای پول، نه به تضعیف یا کنارگذاشتن واحد پولی منجر شود و نه کنز پول را در پی داشته باشد. تمایز رویکرد مقاله حاضر با سایر دیدگاه‌ها در این است که پژوهش حاضر، کارکرد ذخیره ارزش را به‌عنوان یک غرض عقلایی و شرعی معتبر (مادامی که به کنز و سفته‌بازی منتهی نشود) پذیرفته و نشان می‌دهد که اساساً ایجاد توازن منطقی میان سایر کارکردهای پول، تنها با محوریت همین کارکرد (ذخیره ارزش نقد) در محدوده مشروع آن امکان‌پذیر است.

در نتیجه، اصـــول لازم برای مدیریت کارکردهای اصـــلی پول از این قرار اســـت: ۱. تأمین تمام کارکردهای پول؛ ۲. رعایت محدوده مشروع کارکردهای پول شامل پرهیز از سفته‌بازی در کارکرد واسطه مبادله، پرهیز از غش و انحراف در کارکرد سنجش ارزش و پرهیز از کنز در کارکرد ذخیره ارزش؛ ۳. ایجاد توازن منطقی میان کارکردها بر محور کارکرد ذخیره ارزش به منظور تأمین اغراض پولی بر اساس ترتیب منطقی میان کارکردها.

برای اجرای اصل اول یعنی تأمین تمام کارکردهای پول لازم است پولی انتخاب شود که بالفعل تمام این کارکردها را داشته باشـد. در تأمین اصـل دوم یعنی رعایت محدوده مشـروع این کارکردها لازم اسـت قواعدی برای فعالان اقتصـادی وضـع شـود. نخستین قاعده، ممنوعیت ذخیره و خارج کردن بلندمدت پول از فعالیت‌های اقتصادی است. عدم رعایت این قاعده موجب اختلال در کارکرد واسطه مبادله می شود. دومین قاعده، ممنوعیت سفته‌بازی با ابزار واسطه مبادله و پول است. عدم رعایت این قاعده، موجب اختلال در کارکرد واسطه مبادله و همچنین ذخیره ارزش می شود. سومین قاعده، ممنوعیت ایجاد انحراف در ارزش‌گذاری یا اختلال در مرجعیت ارزش‌گذاری توسط پول است. عدم رعایت این قاعده نیز کارکرد سنجش ارزش را دچار اشکال می‌کند. با رعایت این حدود، پول در محدوده کارکردهای مشـــروع خود جریان می‌یابد. برای اجرای اصـــل ســـوم یعنی توازن منطقی میان کارکردها بر محور کارکرد ذخیره ارزش لازم اسـت میزان معینی از مقدار مجاز کارکرد ذخیره ارزش به‌عنوان مبنا انتخاب شـود و سپس نسبت تمام کارکردها با آن تنظیم شود. برای این کار، میزان نیاز واقعی جامعه به ذخیره ارزش برای نیازهای احتیاطی مجاز و همچنین برای سرمایه‌گذاری‌های آتی، لنگر و مبنای مجاز «ذخیره ارزش» قرار می‌گیرد و در ادامه با تغییرات تجربی مستمر و پیمودن مراحلی، محدوده بهینه توازن میان کارکردها به دســـت می‌آید. در مقابل، اگر مقام پولی، حجم پول را بدون توجه به ظرفیت محاســـبه‌شـــده برای «ذخیره ارزش» افزایش دهد، این عدم توازن به ایجاد اختلال در کارکرد «ســـنجش ارزش» و عدم مصونیت «ذخیره ارزش» می‌انجامد. با رعایت اصول مذکور، کارکردهای اصلی پول در چارچوب ضوابط و الزامات اسلامی به توازن نسبی دست می‌یابند.

ب) سامان‌دهی کارکردهای تبعی پول

در لایه دوم، به تنظیم کارکرد کالایی، واقعی و نهادی پول پرداخته می‌شود. این لایه با هدف هماهنگی کارکردهای مذکور با کارکردهای اصلی پول و همچنین تنظیم آن‌ها در راستای اهداف کلی نظام اقتصادی اسلام طراحی شده است.

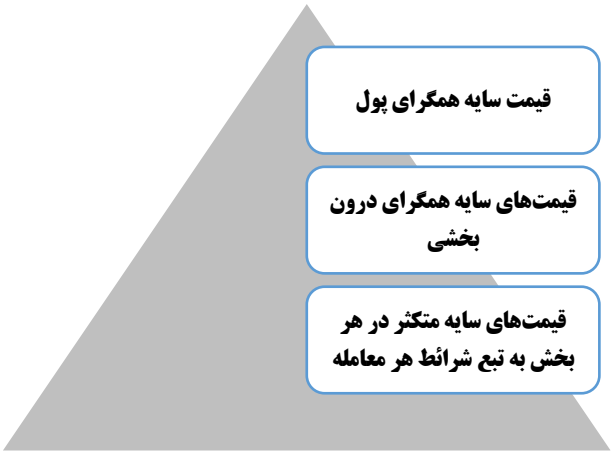
تحلیل کارکردهای اصلی پول نتایجی در مسأله **کارکرد کالایی پول** دارد. مسأله کالابودن پول به این پرسش می‌پردازد که آیا پول در اقتصاد یک کالا به شمار می‌رود یا کارکردی متفاوت از سایر کالاها دارد. مراد از کارکرد کالایی پول، کارکردی تبعی است که از عرضه و تقاضای پول در اقتصاد حاصل می‌شود.

معاملات مســـتقیم پول در فقه اســـلامی عموماً در قالب «قرض» تحلیل می‌شـــود. البته در فرض مبادله دو پول مختلف، در صورت پذیرش شمول احکام «بیع صرف» بر پول‌های اعتباری، این مبادله در قالب بیع نیز متصور است. در هر حال، شارع مقدس اجازه دخالت عنصر زمان برای دریافت زیاده در معاملات مستقیم خود پول را نمی‌دهد. به همین دلیل در قرض، دریافت هرگونه سود مشروط حرام است و در فرض بیع صرف نیز قبض در مجلس شرط صحت تلقی می‌شود و در صورت نسیه‌بودن بیع صرف نیز دریافت سود مشروع نیست و در عمل مانند قرض خواهد بود. بنابراین، دریافت زیاده مرتبط با زمان در معامله مستقیم پول جایز نیست. اگرچه پول دارای مالیت است، این مالیت با قیمت بیشتری قابل انتقال به غیر نیست و ازاین‌رو تمام ویژگی‌های یک کالای اقتصادی را ندارد.

علاوه بر این، پول در اقتصاد اسلامی دارای نوعی عرضه و تقاضای غیرمستقل به تبع بخش واقعی است و نوعی قیمت سایه[1] با توجه به شرایط بخش واقعی برای آن شکل می‌گیرد. این قیمت در واقع قیمت خود پول نیست بلکه قیمت پول مشارکت‌کننده در فعالیت اقتصادی است و به تبع عرضه و تقاضا و شرایط بازار و نوع فعالیت اقتصادی و شرایط خاص هر معامله می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، حتی قیمت سایه واحدی نیز وجود ندارد. از سوی دیگر، نوعی همگرایی میان نرخ سایه بخش‌های مختلف با توجه به میزان اشـــتراک‌گذاری اطلاعات درون و میان بازارهای مختلف، و میزان تفاوت واقعی بازارها با یکدیگر شـــکل می‌گیرد و در

1 Euthanasia of the Rentier

بلندمدت، در صـــورت امکان ورود و خروج از بازارها، نوعی همگرایی میان بازارها به وجود می‌آید. قیمت ســـایه همگرای مذکور در اقتصاد اسلامی را می‌توان قیمت سایه همگرای پول در اقتصاد اسلامی نامید که ذیل آن قیمت‌های سایه متکثری وجود دارد که هر کدام مربوط به شرایط یک بخش اقتصادی است و در هر بخش اقتصادی نیز با توجه به انتظارات و توافقات طرفین معامله نرخ متفاوتی وجود دارد.



شکل (۱): مراتب قیمت سایه پول در اقتصاد اسلامی (منبع: یافته‌های پژوهش)

در شکل (۱) رابطه مراتب مختلف قیمت سایه پول در بازار اقتصاد اسلامی به تصویر کشیده شده است. بنابراین، اگرچه پول در اقتصاد اسلامی نوعی کالای غیرمجانی است، قیمت مستقیم آن فراتر از قیمت خودش نیست و تنها به شکل بدون سود قابل واگذاری به دیگران است که عملاً مانند قرض بدون سود خواهد بود. در صورت پذیرش مشروعیت تنزیل نیز بازاری غیرمستقیم و مبتنی بر اوراق بدهی برای پول شکل می‌گیرد. در غیر این صورت، قیمت غیرمستقیم پول تنها قیمت‌های سایه مختلفی است که در بازار به تبع شـــرایط بخش واقعی و توافقات طرفین معامله در اطراف قیمت همگرای هر بخش و قیمت همگرای کل اقتصـــاد شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، کارکرد کالایی پول در اقتصاد اسلامی مبتنی بر دو ویژگی است: ۱. قیمت مستقیم آن معادل خود آن و بدون سود است؛ ۲. قیمت غیرمستقیم آن به تبع اوراق بدهی و یا قیمت سایه همگرای پولی است. این کارکرد پول در اقتصاد اسلامی وابسته به کارکردهای بخش واقعی است و ازاین‌رو قیمت سایه در واقع همان قیمت شکل‌گرفته در بخش واقعی است. بر این اساس، تلاش سیاست‌گذار برای کشف قیمت سایه همگرا در بخش واقعی و تنظیم بخش پولی با آن منجر به هماهنگی و پیشگیری از انحراف بخش پولی از بخش واقعی می شود. سیاست‌گذار با بررسی بازده بخش واقعی و استخراج نرخ همگرای مشارکت پول در بخش واقعی می‌تواند بازارهای پولی را با همان نرخ تنظیم کند.

همچنین حاکم اســـلامی برای تنظیم **کارکردهای واقعی** پول باید این کارکردها را به شـــکل زیر تنظیم کند. کارکردهای واقعی پول از نوعی خنثایی مثبت تبعیت می‌کنند؛ یعنی کارکردهای پولی اولاً نباید به اختلال در قیمت‌های نســـبی بخش واقعی منجر شوند؛ ثانیاً نباید موجب اختلال در عرضه و تقاضای کالاهای مورد نیاز مصرفی و تولیدی جامعه در بخش واقعی شوند؛ ثالثاً کارکردهای پولی در صـــورت امکان نباید موجب تغییر توزیع ثروت یا تأثیر منفی بر آن شـــوند. بنابراین، کارکردهای پول نباید در هیچ‌یک از ویژگی‌های بخش واقعی اختلال ایجاد کند؛ همچنین حاکم اســـلامی باید از دخالت‌های غیرضـــروری پولی در بخش واقعی تا حد امکان جلوگیری کند و از این گذشته، کلیت سیاست پولی را هم‌راستا با اهداف ساختارهای بخش واقعی تنظیم نماید.

ســـپس ســـیاســـت‌گذار برای تنظیم **کارکردهای نهادی** علاوه بر رعایت ضـــوابط و الزامات اســـلامی در متن نهاد پولی، جهت‌دهی کلی آن را نیز در راستای اهداف اسلامی تنظیم می‌کند. مراد از کارکردهای نهادی، کارکردهایی است که ملزوم و یا لازمه اجتماعی پول و یا کارکردهای آن است. ساختارها و نهادهای اقتصادی افزون بر رعایت ضوابط و الزامات شرعی درونی باید ضوابط و الزامات دیگری را نیز رعایت کنند؛ چراکه ساختارها و نهادهای اقتصادی ناعادلانه موجب پایه‌گذاری روابط ظالمانه در اقتصاد می‌شوند و در برخی موارد به افراد جامعه ضرر عمومی وارد می‌کنند. بر این اساس، نفس ساختار یا نهاد می‌تواند متصف به عدم مشروعیت بر اساس ضوابط شرعی درونی یا نهادی شود. برای تدارک این مسأله، کارکردهای نهادی پول علاوه بر رعایت

ضوابط درونی شرعی باید در راستای مدیریت ساختار تولیدی، توزیعی و مبادلی بخش واقعی در مسیر اهداف اقتصادی اسلام مانند تأمین نیازهای متعارف جامعه اسلامی، رفع فقر و عدالت اجتماعی باشد. حکومت اسلامی باید مصالح عمومی را نه بر اساس امور روزمره و متغیرعرفی بلکه بر اساس اهداف کلان اسلامی مدیریت کند و این مطلب بخشی از تفاوت حکومت اسلامی با غیر آن است. بنابراین، کیفیت دخالت پول در سیاست‌گذاری با حفظ محدودیت‌های پیش‌گفته تابع اهداف اقتصادی اسلام است.

این قواعد با تنظیم کارکرد کالایی، واقعی و نهادی پول از یک‌سو از قواعد لایه اول پشتیبانی می‌کنند و از سوی دیگر، زمینه را برای استفاده منسجم از جانشین‌های کارکردی فراهم می‌آورند؛ چراکه جانشین‌های کارکردی تنها در یک بستر کارکردی سامان‌یافته و منضبط، امکان جریان صحیح و منسجم می‌یابند.

ج) سامان‌دهی جانشین‌های کارکردی پول

در لایه سوم از الگو، سیاست‌گذار برای تکمیل کارکردهای مورد نیاز پولی، به جانشین‌های کارکردی پول مراجعه می‌کند. برخی کارکردهای پول به پول اختصاص ندارند و همین مسأله، جانشین‌های پول را در اقتصاد دارای اهمیت می‌کند. اهمیت دیگر آن‌ها، با توجه به مقید شدن نشر پول به دارایی بالفعل و یا بالقوه از دیدگاه اسلامی، در جبران محدودیت احتمالی عرضه ناشی از این قید در اقتصاد اسلامی است. جانشین‌های پول از قبیل اسناد تجاری اعتباری، حواله‌ها و اوراق بهادار، که در ادامه بیشتر به آن‌ها پرداخته می‌شود، دارای چند ویژگی‌اند که آن‌ها را از پول اصلی متمایز می‌کند: ۱) امکان تفکیک و مدیریت مستقل نیازهای بخش‌های مختلف اقتصادی؛ ۲) موقتی‌بودن؛ ۳) شخصی‌بودن و وابستگی به توافق و پذیرش طرفین؛ ۴) تنوع بسته به ماهیت جانشین غیرپولی، کارکرد جانشین و ناشر. این چهار ویژگی در ادامه تبیین می‌شوند.

ویژگی نخست جانشین‌های پول این است که با استفاده از آن‌ها بدون نیاز به پول جدید و بدون سرایت‌دادن مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی به یکدیگر و ایجاد چرخه‌های رکود و تورم می‌توان امور اقتصادی را حل‌وفصل کرد.

ویژگی دوم این جانشین‌ها امکان استفاده موقتی از آن‌هاست. جانشین‌های مذکور پس از رفع نیاز عموماً قابل تسویه‌اند و به‌عنوان عنصری ماندگار در اقتصاد باقی نمی‌مانند. با وجود این، جانشین‌های پول در صورت رواج بیش از حد با خطر استقلال‌یافتگی و پولی‌شدن مواجه‌اند و ازاین‌رو در طراحی سازوکارهای ایجاد و محو آن‌ها باید مراقبت کرد که از حالت موقتی خارج نشوند.

ویژگی سوم جانشین‌های پول وابستگی آن‌ها به پذیرش و توافق طرفین است. شکل‌گیری جانشین‌های مختلف برای پول، بستگی به میزان پذیرش این جانشین‌ها در میان دریافت‌کنندگان آن دارد. یکی از ویژگی‌های پول بی‌نامی است؛ یعنی پول از سوی یک ناشر دارای اعتبار منتشر می‌شود و بدون لحاظ فردی که آن را دریافت یا پرداخت می‌کند، در مبادلات ایفای نقش می‌کند؛ اما جانشین‌های پول با فاصله گرفتن از پول، از بی‌نامی فاصله گرفته و تبدیل به یک واسطه مبادله شخصی می‌شوند که نیاز به توافق طرفین دارد. این یکی از مشکلات جانشین‌های پول است. برای حل این مشکل، درج نوعی تضمین به اعتماد طرفین مبادله کمک می‌کند و جانشین را از حالت شخصی محض خارج می‌کند. این تضامین نیز باید به‌گونه‌ای سامان یابد که تبدیل به منبع مستقلی برای خلق پول نشود.

ویژگی چهارم تنوع این جانشین‌ها بسته به ماهیت جانشین، کارکرد جانشین و ناشر آن است. از یک‌سو، جانشین‌های مذکور بسته به ماهیت آن‌ها مانند دین، حواله یا ضمانت دارای اقسامی می‌شوند. از سوی دیگر، این جانشین‌ها بسته به جانشینی نسبت به کارکردهای مختلف پول، انواع مختلفی پیدا می‌کنند. اگرچه تجمیع کارکردهای مذکور در یک شیء واحد، آن شیء را به‌عنوان جانشین کامل پول مطرح می‌کند، این تجمیع به ندرت اتفاق می‌افتد. افزون بر این، درجات مختلف پذیرش جانشین‌ها بر اساس اعتبار ناشر و ضمانت طرف ثالث نیز موجب تقسیم آن‌ها به انواع مختلفی می‌شود. این تنوع، نوعی هرم جانشینی را تشکیل می‌دهد که از پول اصلی متمایز است و برخلاف هرم متعارف پولی، همه افراد آن پول نیستند؛ بلکه صرفاً جانشین‌هایی برای پول اصلی به شمار می‌روند. این جانشین‌ها شامل حواله‌های در وجه اشخاص خاص، حواله‌های در وجه حامل، حواله‌های صنعتی و شرکتی پولی و کالایی، ضمانت‌های پولی و کالایی و مانند آن است. در پایین‌ترین بخش هرم، امکان شکل‌گیری مؤسسات حواله‌پذیر و ضمانت‌کننده نیز قابل مطالعه است. جانشین‌های مذکور همچنین باید از لحاظ برآوردن ضوابط و الزامات اسلامی مورد بررسی قرار گیرند.

بر این اساس، در ادامه ابتدا جانشین‌های پول بر اساس انواع کارکردهای پول در بخش‌های مختلف اقتصادی و نیاز به ضمیمه شدن ضمانت‌نامه بررسی می‌شوند و طراحی پیشنهادی در این زمینه تبیین و بسط داده می‌شود. سپس ضوابط و الزامات جانشین‌های مذکور بررسی می‌شود. جانشین‌های کارکردی پول در صورتی از نظر اسلامی مورد تأیید کامل قرار می‌گیرند که ضوابط و الزامات اسلامی مربوط به نوع آن جانشین از یک‌سو و برخی لوازم کارکردی پول از سوی دیگر را برآورده کنند.

اولین کارکرد در این زمینه، **کارکرد واسطه مبادله** است. مطابق تبیینی که گذشت، کارکرد و غرض غایی پول، واسطه مبادله عام و یا مال عام است؛ در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی، برخی از دارایی‌ها مانند سکه‌های طلا و ارزهای خارجی ممکن است به‌عنوان واسطه مبادله سایر کالاها قرار گیرند. همچنین حواله‌ها و چک‌های معتبر در شرایط طبیعی نیز به‌عنوان واسطه مبادله میان مردم به کار می‌روند. این حواله‌ها، که تعهداتی برای پرداخت پول پایه یا نهایی‌اند و نوعی ابزار مشتق از پول به شمار می‌روند، به‌عنوان ابزار مبادله و ذخیره ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرند. به لحاظ تاریخی، مردم سکه‌های طلا را نزد صرافان امانت می‌گذاشتند و از رسید سکه‌ها به‌عنوان ابزار پرداخت استفاده می‌کردند. به این ترتیب دو نوع حواله پرداخت در وجه حامل و حواله پرداخت در وجه اشخاص معین شکل گرفت که در واقع، پیشگام اسکناس‌ها و چک‌های امروزی به شمار می‌رفتند؛ پیش از قطع ارتباط حواله‌ها با موجودی طلای صادرکنندگان، این حواله‌ها جانشین پول به شمار می‌رفتند و پس از آن خود تبدیل به پولی مستقل شدند (پالگریو[1]، ۲۰۱۸: ۹۰۲۰). همچنین برخی از مبادلات به شکل تهاتری میان کالاها انجام می‌شود. این حالت یک وضعیت طبیعی در مواجهه با شرایط اضطراری است. اما مراد پژوهش حاضر مدیریت و هدایت نیازهای مختلف پولی به‌منظور پیشگیری از آثار سوء تلاطمات بخش‌های مختلف اقتصادی بر یکدیگر است. جانشین‌های پیشنهادی برای کارکرد واسطه مبادله در بخش‌های مختلف اقتصادی از این قرارند:

۱) **نظام جانشین اعتبارات دولتی:** در بسیاری از مراودات درون‌دولتی مبادله حقیقی وجود ندارد و بدهکاری و طلبکاری حقیقی محقق نمی‌شود و در واقع، عنوان بدهی و طلب تنها برای ثبت حسابداری است. مطابق نظر عمده فقها نیز، کل حاکمیت دارای شخصیت حقوقی واحد است و در این صورت در هیچ‌یک از مراودات مالی درون حاکمیت بدهی حقیقی محقق نمی‌شود. بر این اساس، برای حل مشکلات حسابداری می‌توان نظامی طراحی کرد که در آن اعتبارات و تعهدات دولتی بدون سرریز به بخش پولی یا سایر بخش‌های واقعی به شکل خودکار تسویه شود. به این ترتیب، بخش قابل‌توجهی از نیاز پولی درون‌دولتی تأمین می‌گردد. هم‌اکنون بیشتر حساب‌های دولتی در حساب واحدی به نام حساب خزانه نزد بانک مرکزی متمرکز شده است که دارای سرفصل‌های مختلفی است. بسیاری از مراودات مالی میان بخش‌های مختلف حاکمیت از این طریق قابل تسویه است. به علت خودکارنبودن این فرایند، تسویه بسیاری از مطالبات به طول می‌انجامد و در پرداخت‌ها مشکلاتی پدید می‌آید. با همین منطق، بسیاری از مراودات مالی درون‌دولتی اساساً نیازی به ثبت حسابداری پولی نیز ندارند و نباید این مراودات حاکمیتی وارد مباحث اقتصادی واقعی ولو به نحو ثبتی شوند؛ بلکه برای مدیریت این بخش نیز پیشنهاد می‌شود نظامی برای ثبت اموال و خدمات مصرفی طراحی شود تا اموال و خدمات دولتی به‌راحتی میان بخش‌های مختلف حاکمیت به اشتراک گذاشته شود.

۲) **نظام جانشین اعتبارات یارانه‌ای:** در این نظام، اعتبارات یارانه‌ای در حد امکان در صنایع و درگاه‌های فروش مرتبط بدون ارتباط با سایر بخش‌ها تسویه می‌شود. این نظام، موجب شکل‌گیری زنجیره تأمین اعتبار و تسویه در صنایع و خدمات مرتبط با یارانه‌های دولتی می‌شود. این نظام در نوشتاری مستقل برای زنجیره تولید نان، زنجیره تولید مرغ و گوشت و سایر کالاهای اساسی طراحی شده است.[2] بر اساس این نظام، با توجه به وجود شرکت بازرگانی دولتی در طول زنجیره، حساب‌های اعتباری اعضای زنجیره در خارج از نظام بانکی و به شکل ثبت حسابداری نگهداری می‌شود و بدهی اعضای زنجیره با توجه به یارانه پرداختی به افراد در طول زنجیره تسویه می‌شود.

۳) **نظام جانشین اعتبارات بخش خیریه:** بخش خیریه با توجه به اهداف خدمات‌رسانی و غیرانتفاعی بسیاری از نیازهای خویش را به شکل زنجیره تأمین و زنجیره تولید و خدمات در نظام پرداخت داخلی مستقل خود انجام می‌دهد و

1 Palgrave

[2] فراهانی، ۱۴۰۱، گزارش منتشره نشده.

تنها برای ارتباطات خارج از بخش خیریه، از پول رایج اســتفاده می‌کند. مکمل این بخش حواله‌های کالا و خدمات برای مخاطبین بخش خیریه و همچنین ثبت حســابداری این حواله‌ها به منظور اشــتراک‌گذاری امکانات درون شــبکه اســت. همچنین صــندوق‌های تضــمین رهنی و غیررهنی به منظور اطمینان‌بخشــی نســبت به بازپرداخت بدهی‌ها درون شــبکه خیریه به‌عنوان حلقه تکمیلی دیگر در این بخش عمل می‌کنند.

۴) **نظام جانشین اعتبارات بخش تعاونی:** عمده نیاز بخش تعاونی در زنجیره تأمین و سرمایه در گردش است. این نیاز تا حد امکان به شــکل داخلی قابل تأمین اســت. بخش تعاونی اقتصــاد با مدیریت نیازها در زنجیره تأمین و خدمات داخل شبکه تعاونی‌ها می‌تواند بدون نیاز به استفاده از پول، امور اقتصادی خود را تدبیر کند. این نظام اعتبارات شامل حواله‌های کالا و پول و ضــمانت‌نامه‌های داخلی اســت. ایجاد اتحادیه یا شــبکه تعاونی‌های همکار پیش‌نیاز ایجاد بســتر اعتباری فوق است. اتحادیه یا شبکه مذکور با ایجاد نظام اعتباری حواله کالا و خدمات و پول این نیاز را مرتفع می‌کند. نیازهای خارج از شبکه می‌تواند از طریق صندوق‌های ضمانت مرتفع شود. این صندوق‌ها با ضمانت بازپرداخت بدهی‌ها برای تعاونی‌ها مراودات مالی خارج از شبکه را تسهیل می‌کنند.

۵) **نظام جانشــین اعتبارات درون‌صــنعتی:** صــنایع مختلف به شــکل زنجیره‌های تأمین و تولید به انتشــار اوراق درون صنعتی می‌پردازند که تنها درون صنعت مورد نظر قابل تسویه است و خارج از آن کارایی ندارد. به این شکل، از یک سو مشکلات صنایع خاص به سایر صنایع تسری پیدا نمی‌کند و از سوی دیگر نیاز آن صنعت به شکل مستقل برآورده می شود. در چنین نظام پرداختی، هر صنعت با انتشار حواله‌های درون‌بخشی به شکل تهاتری یا با یک واسطه عام درون‌بخشی، نیاز خود را برطرف می‌کند. تأمین نیاز واسطه مبادله به شکل درون‌بخشی، از یک‌سو نیاز به انتشار پول را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، خطر سفته‌بازی یا کنز کالای واسطه را برطرف می‌کند و زنجیره‌های مختلف صنعتی به میزان مورد نیاز خود کالای واســطه را تأمین و پس از انجام فرآیند تولید در زنجیره مذکور به انتقال آن به ســایر حلقه‌های زنجیره اقدام می‌کنند. نظام مذکور بستر مناسبی برای اعمال سیاست‌های هدایت اعتبار خواهد بود.

۶) **نظام جانشین اعتبارات شخصی:** فراهم آوردن امکان تسویه بدهی‌های شخصی و صدور ضمانت‌نامه برای بدهی‌های شخصی نیز نیاز به استفاده از پول را کاهش می‌دهد. این حواله‌ها و ضمانت‌نامه‌ها اگرچه کارکرد پولی دارند ولی به علت عام‌نبودن از یک سو و موقت‌بودن از سوی دیگر، در نظام پولی و مالی تلاطم ایجاد نمی‌کنند و همچنین به اثری ماندگار در نظام پولی تبدیل نمی‌شوند.

بر اساس تطبیق ضابطه کلی جانشین‌های پول، جانشین‌های کارکرد واسطه مبادله بسته به قالب جانشینی یعنی حواله، ضــمانت، عهده یا هر صــورتی که دارند باید قواعد آن باب را رعایت کنند و از ســوی دیگر باید برخی الزامات مربوط به کارکرد واسطه مبادله مانند مالیت، عمومیت و تبدیل‌پذیری در محدوده مربوطه، کمیابی نسبی، انضباط و ثبات نسبی ارزش، رواج نسبی و مانند آن را نیز داشته باشند.

دومین کارکرد قابل جانشــینی کارکرد ذخیره ارزش اســت. کارکرد ذخیره ارزش به پول اختصــاص ندارد و تمام دارایی‌های بادوام می‌توانند چنین نقشی را ایفا کنند. البته در پول نوع خاصی از ذخیره ارزش اراده شده است که بتواند ارزش تمام کالاها را ذخیره نموده و در هر زمانی قابل تبدیل به تمام کالاها باشــد. بنابراین، میزانی از ذخیره ارزش که لازمه شــکل‌گیری مبادلات است باید در قالب پول باشد و سایر ذخیره‌های ارزش به شرطی که منجر به رکود اقتصادی و خروج حامل ذخیره ارزش از فعالیت اقتصادی نشود یا به عکس، به سفته‌بازی در آن ذخیره ارزش منجر نشود، می‌تواند به سایر جانشین‌های غیرپولی ذخیره ارزش منتقل شــود. اما انتخاب این جانشــین نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات فوق و در نتیجه، گســترش دامنه جانشــینی به انواع مختلفی اســت که فعالیت اقتصــادی طبیعی در آن زمینه معین دچار اختلال نگردد. زیرا ورود کارکرد ذخیره ارزش در هر بخش با خطر کنز یا نگهداری به قصد سفته‌بازی همراه است. افزون بر ضوابط و الزامات فوق، جانشین کارکردی ذخیره ارزش باید مالیت، تبدیل‌پذیری و عمومیت نسبی، کمیابی نسبی، انضباط و ثبات نسبی ارزش و رواج نسبی را نیز داشته باشد.

کارکرد سوم قابل بررسی در بحث حاضر، کارکرد سنجش ارزش است. کارکرد سنجش ارزش نیز به پول اختصاص ندارد و در دارایی‌های با ارزش منضبط و با ثبات امکان‌پذیر است. در سطح کلان اقتصادی، سازوکار انتقال کارکرد

سنجش ارزش از پول به دارایی‌های غیرپولی، معمولاً در شرایط بی‌ثباتی ارزش پول رسمی رخ می‌دهد. تغییر رفتار خرد کارگزاران اقتصادی در تجمیع کلان خود منجر به خروج پول رسمی از چرخه سنجش شده و دارایی‌های جایگزین، به لنگر اسمی جدید اقتصاد و معیار قیمت‌گذاری تبدیل می‌شوند. افزون بر این، پول در بخش‌های غیربازاری اقتصاد و همچنین بازارهای غیرمبتنی بر پول، از کارکرد واسطه مبادله فاصله گرفته و بیشتر به‌عنوان ابزار حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این بخش‌ها در امپراتوری روم شامل خدمات مدنی و اداره ارتش می‌شد (دیویس[1]، ۲۰۰۲: ۱۰۵)، و در نظام‌های حسابداری پیشرفته دولتی نیز گاهی به چنین نقشی فروکاسته می شود. همچنین می‌توان مبادله‌ای را تصور کرد که تهاتری محض و بدون مداخله شیء ثالثی به‌عنوان معیار ارزش انجام شود. این مبادلات اگرچه به‌شدت نادرند، در نبود معیاری برای ارزش، منفعت استعمالی عمومی و همچنین مطلوبیت شخصی جایگزین قیمت بازاری می‌گردد و چنین مبادلاتی را امکان‌پذیر می‌سازد. جانشین‌های کارکرد سنجش ارزش نیز دارای ضوابط و الزاماتی‌اند و بر این اساس، دارایی غیرپولی که کارکرد سنجش ارزش را برعهده می‌گیرد باید دارای ارزش منضبط و معلوم، با ثبات نسبی و رواج نسبی باشد تا بتواند وظیفه ارزش‌گذاری را بدون انحراف و به‌خوبی انجام دهد.

همان‌طور که اشاره شد، جانشین‌های کارکردی مختلف پول برای دریافت تأیید اسلامی علاوه بر لزوم رعایت ضوابط مربوط به قالب و صورت جانشینی باید ضوابط مربوط به آن کارکرد از پول که جانشین آن شده‌اند را نیز رعایت کنند که توضیح آن ذیل هر کارکرد بیان شد.

د) الگوی مفهومی سامان‌دهی کارکردهای پول

بر اساس مباحث و ضوابط استخراج‌شده در بخش‌های پیشین، الگوی مفهومی پیشنهادی در ساختاری سه‌لایه ارائه می‌شود. این الگو به ترتیب لایه‌ها به تنظیم «کارکردهای اصلی»، «کارکردهای تبعی (کالایی، واقعی و نهادی)» و در نهایت استفاده از ظرفیت «جانشین‌های کارکردی» می‌پردازد.

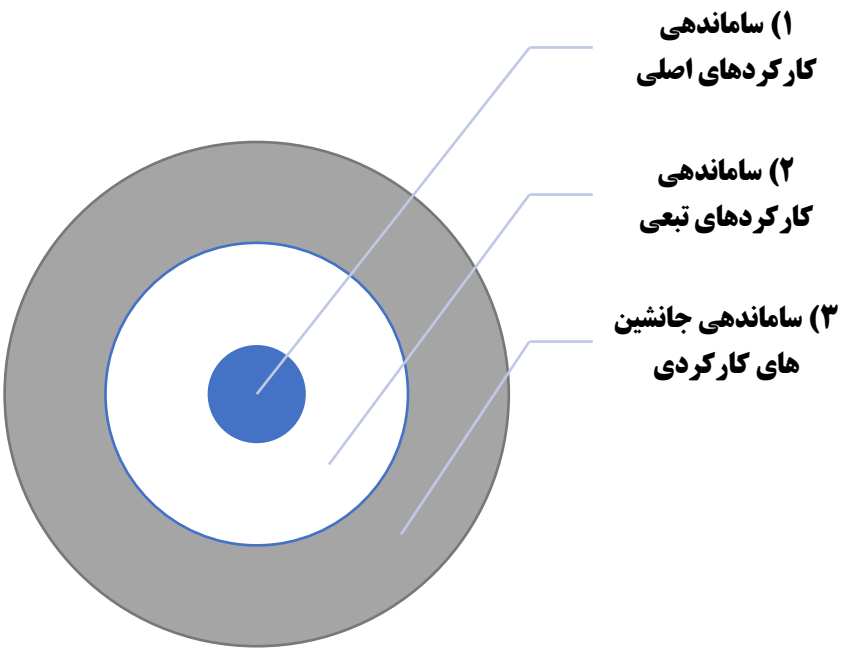
لایه هسته (کارکردهای اصلی): در این لایه، هر سه کارکرد (واسطه مبادله، سنجش ارزش و ذخیره ارزش) با محوریت «ذخیره ارزش نقد در محدوده مجاز» به توازن می‌رسند. خطوط قرمز این لایه عبارت‌اند از: پرهیز از سفته‌بازی، جلوگیری از غش پولی و تحریم کنز.

لایه میانی (کارکردهای تبعی): این لایه با هدف هماهنگی کارکردهای تبعی با کارکردهای اصلی پول و همچنین تنظیم آن‌ها در راستای اهداف کلی نظام اقتصادی اسلام طراحی شده است. در کارکرد کالایی پول، تلاش سیاست‌گذار برای کشف قیمت سایه همگرا در بخش واقعی و تنظیم بخش پولی با آن منجر به هماهنگی و پیشگیری از انحراف بخش پولی از بخش واقعی می شود. در ادامه، برای تنظیم کارکردهای واقعی پول، از دخالت‌های غیر ضروری پولی در بخش واقعی تا حد امکان خودداری می شود و کلیت سیاست پولی هم‌راستا با اهداف ساختارهای بخش واقعی تنظیم می شود. سپس سیاست‌گذار برای تنظیم کارکردهای نهادی علاوه بر رعایت ضوابط و الزامات اسلامی در متن نهاد پولی، جهت‌دهی کلی آن را نیز در راستای اهداف اسلامی تنظیم می‌کند. این قواعد با تنظیم کارکرد کالایی، واقعی و نهادی پول از یک‌سو از قواعد لایه اول پشتیبانی می‌کنند و از سوی دیگر، زمینه را برای استفاده منسجم از جانشین‌های کارکردی در لایه سوم فراهم می‌آورند.

لایه بیرونی (جانشین‌های کارکردی): در نهایت، برای جبران محدودیت‌های عرضه پول مشروع و جلوگیری از سرایت تلاطمات بخشی، ابزارهایی نظیر نظام‌های اعتباری دولتی، یارانه‌ای، خیریه، تعاونی، درون‌صنعتی و شخصی به‌عنوان ضربه‌گیر و مکمل وارد عمل می‌شوند.

در شکل۲ اجزای الگوی مفهومی کارکردهای پول به تصویر کشیده است.

1 Davies



شکل (۲): الگوی مفهومی سه‌لایه سامان‌دهی کارکردهای پول (منبع: یافته‌های پژوهش)

تعامل و ارتباط میان این سه‌لایه، یک الگوی مفهومی جامع و منضبط را شکل می‌دهد. این الگو نه‌تنها آسیب‌های نظام‌های پولی رایج (مانند تورم ساختاری و سفته‌بازی پولی) را می‌تواند مهار کند، بلکه با اعمال ضوابط شرعی و ایجاد توازن میان کارکردها، ظرفیت‌های پولی را در خدمت بخش واقعی اقتصاد و هم‌سو با غایات نظام اقتصادی اسلام مانند عدالت و مصالح عمومی قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

ضوابط و الزامات اسلامی کارکردهای پول، محدوده کلی جریان پول و جایگاه پول در اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کند. اندیشمندان اسلامی با توجه به اهمیت عدالت در نگاه خود، بر برقراری عدالت و برابری میان اموال تأکید کرده‌اند؛ برابرکنندگی از طریق سنجش ارزش مورد توجه برخی از اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است و برخی دیگر نیز به همبستگی کارکردهای پول اشاره کرده‌اند. با وجود تأکید برخی از ایشان بر کارکرد واسطه مبادله، ترابط منطقی یکپارچه میان کارکردهای مختلف پول و تمرکز بر کارکرد محوری مطلوب در آثار این اندیشمندان به چشم نمی‌خورد. از سوی دیگر، کارکرد ذخیره ارزش با تصور منافات آن با حرمت کنز توسط برخی دیگر نفی شده است. همچنین در آثار اندیشمندان اسلامی، محدوده مجاز هر کارکرد بر اساس ادله اسلامی، به‌صورت هم‌افزا و در کنار یکدیگر مورد توجه قرار نگرفته است.

پول در نگاه اقتصاد اسلامی دارای تمام کارکردهای پولی متعارف یعنی وساطت مبادله، سنجش ارزش و ذخیره ارزش است که بر اساس اغراض اعتبار شده در پول شکل گرفته‌اند. پول برای غرض غایی وساطت مبادله، غرض متوسط سنجش ارزش و غرض قریب ذخیره ارزش ویژه اعتبار شده است. عقلا برای تأمین این اغراض، نوعی مال نقد را اعتبار کرده‌اند تا ارزش نقد را در خود ذخیره کند و در ادامه، ارزش سایر کالاها را بسنجد و سپس واسطه مبادله سایر کالاها قرار گیرد. این اغراض عقلایی در تحقق خارجی، کارکردهای عقلایی پول را تشکیل می‌دهند که در میان خود دارای روابط منطقی پیش‌گفته هستند. این کارکردهای عقلایی با ترتیب مذکور به نحو نکته ارتکازی مورد امضای شارع قرار گرفته‌اند و از آنجا که تنها ایجاد توازن میان کارکردهای عقلایی فوق بر محور کارکرد ذخیره ارزش است که می‌تواند اغراض عقلایی از پول را به بهترین شکل تأمین کند، ایجاد چنین توازنی امری ضروری به نظر می‌رسد. ضوابط و الزامات الگوی سامان‌دهی کارکردهای پول در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱): ضوابط و الزامات الگوی سامان‌دهی کارکردهای پول

۱	تأمین تمام کارکردهای پول

۲	رعایت محدوده مشروع کارکردهای پول شامل پرهیز از سفته‌بازی در کارکرد واسطه مبادله، پرهیز از غش و انحراف در کارکرد سنجش ارزش و پرهیز از کنز در کارکرد ذخیره ارزش
۳	ایجاد توازن منطقی میان کارکردها بر محور کارکرد ذخیره ارزش به منظور تأمین اغراض پولی بر اساس ترتیب منطقی میان کارکردها
۴	لحاظ کارکرد کالایی پول به‌عنوان کالایی نیازمند مدیریت عمومی
۵	مدیریت کارکرد واقعی پول بر اساس اصل خنثایی مثبت
۶	مدیریت کارکردهای نهادی پول بر اساس رعایت ضوابط و الزامات درونی و بیرونی اسلامی
۷	تکمیل کارکردهای پول توسط جانشین‌های کارکردی

این ضوابط مبنای طراحی الگویی سه‌لایه قرار می‌گیرد که به سامان‌دهی کارکردهای پول می‌پردازد. این لایه‌ها عبارت‌اند از: ۱) لایه هسته: کارکردهای اصلی؛ ۲) لایه میانی: کارکردهای کالایی، واقعی و نهادی؛ ۳) لایه بیرونی: جانشین‌های کارکردی. با تنظیم قواعد این سه‌لایه، تأمین کارکردهای پول بر اساس ضوابط و الزامات اسلامی دست‌یافتنی‌تر خواهد بود.

بر این اساس، دستاورد اصلی این مقاله، ارائه چارچوبی منسجم و غایت‌محور برای سامان‌دهی کارکردهای پول بر مبنای منطق فقه جواهری است؛ چارچوبی که ضمن پرهیز از تقلیل پول به یک کارکرد منفرد و نیز اجتناب از اطلاق‌های غیرمنضبط در پذیرش کارکردهای عرفی، امکان تنظیم کارکردهای اصلی و تبعی پول را در نسبت منطقی با اهداف نظام اقتصادی اسلام فراهم می‌آورد. این الگو می‌تواند مبنایی برای ارزیابی نظام‌های پولی موجود، طراحی سیاست‌های پولی مشروع، و نیز تحلیل ابزارها و جانشین‌های پول در سطوح مختلف نهادی قرار گیرد و افق تازه‌ای برای توسعه فقه نظام‌مند پول بگشاید.

در سطح سیاستی، پیشنهاد می‌شود مقام پولی، تأمین نیازهای مبادلاتی و احتیاطی مشروع را بر مبنای حفظ قدرت خرید در سیاست‌های پولی پیگیری کند و توسعه شبکه‌های تسویه و اعتبار درون‌بخشی را با رعایت ضوابط شرعی و نظارت بر مخاطرات نقدینگی و سرایت، به‌تدریج گسترش دهد. محدودیت اصلی پژوهش، فقدان آزمون تجربی برای تعیین حدود عملیاتی توازن میان کارکردهاست. برای پژوهش‌های آتی، تدوین شاخص‌های سنجش توازن کارکردها و ارزیابی تجربی آثار جانشین‌های پیشنهادی بر ثبات پولی، تأمین مالی بخش واقعی و توزیع ثروت پیشنهاد می‌شود.

منابع

امیدوار، م.، کاظمی نجف‌آبادی، م.، و عربی، س. ه. (۱۴۰۴). حرمت فقهی رکود پول و دلالت‌های آن برای سیاست‌های پولی. فصلنامه جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، دوره۲۲، (۴۷)، ۳۵-۶۴.

بهشتی، س. م. (۱۳۸۶). بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌ها.

توتونچیان، ا. (۱۳۶۸). پول در اقتصاد اسلامی. آینده‌پژوهی مدیریت، (۲)، ۶۴-۹۵.

توتونچیان، ا. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران: توانگران.

داودی، پ.، نظری، ح.، و میرجلیلی، س. ح. (۱۳۷۴). پول در اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

صدر، س. م. ب. (۱۴۱۷ق). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان.

طباطبایی، س. م. ح. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، خ. ن. (۱۳۴۶). اخلاق ناصری (ادیب تهرانی، مصحح). تهران: جاویدان.

عربی، س. ه.، و میثمی، ح. (۱۳۹۸). پول و بانکداری با رویکرد اسلامی (ج۱). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

عیوضلو، ح. (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، دوره۸، (۲۹)، ۳۵-۶۲.

غزالی، م. (۱۹۹۳). احیاء علوم الدین. بیروت: دارالکتاب العربی.

فراهانی فرد، سعید، نظرپور، محمدتقی و شهبازی غیاثی، موسی، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی بر بخش واقعی در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک و اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۶۱، ص۷۹-۱۰۸.

فراهانی، م. ع. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی طراحی نظام توزیع یارانه تهاتری [گزارش سیاستی ارائه‌شده به وزارت اقتصاد].

کلینی، م. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، م. (۱۳۷۲). مسأله ربا به ضمیمه بیمه. تهران: صدرا.

مفضل بن عمر الجعفی. (بی‌تا). توحید المفضل. قم: داوری.

Arabi, S. H., & Meisami, H. (2019). *Money and banking with an Islamic approach* (Vol. 1). Qom: Research Institute of Hawzah and University. (in Persian)

Beheshti, S. M. (2007). *Banking, usury and Islamic financial laws*. Tehran: Foundation for Publishing the Works and Thoughts. (in Persian)

Davies, G. (2002). *A history of money: From ancient times to the present day* (3rd ed.). Cardiff: University of Wales Press.

Davoudi, P., Nazari, H., & Mirjalili, S. H. (1995). *Money in Islamic economics*. Tehran: Research Institute of Hawzah and University. (in Persian)

Farahani, M. A. (2022). *Feasibility study of designing a barter-based subsidy distribution system* [Policy report submitted to the Ministry of Economic Affairs]. (in Persian)

Ghazali, M. (1993). *Ihya' 'ulum al-din*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Arabic)

Ivazloo, H. (2008). Principles and foundations of the monetary system in Islamic economics. *Islamic Economics*, (29), 35. (in Persian)

Kulayni, M. (1987). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (in Arabic)

Motahhari, M. (1993). *The issue of usury, with an appendix on insurance*. Tehran: Sadra. (in Persian)

Mufaddal ibn Umar al-Ju'fi. (n.d.). *Tawhid al-Mufaddal*. Qom: Davari. (in Arabic)

Omidvar, M., Kazemi Najafabadi, M., & Arabi, S. H. (2025). The jurisprudential prohibition of money stagnation and its implications for monetary policy. *Economic Essays: An Islamic Approach*, (47), 35–64. (in Persian)

Palgrave Macmillan (Ed.). (2018). Money. In *The new Palgrave dictionary of economics* (3rd ed.). London: Palgrave Macmillan.

Sadr, S. M. B. (1996). *Iqtisaduna* [Our economics]. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)

Tabatabai, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)

Totonchian, I. (1989). Money in Islamic economics. *Future Studies of Management*, (2), 64–95. (in Persian)

Totonchian, I. (2000). *Islamic money and banking compared with the capitalist system*. Tehran: Tavangaran. (in Persian)

Tusi, N. (1967). *Akhlaq-i Nasiri* [Nasirean ethics] (Adib Tehrani, Ed.). Tehran: Javidan. (in Persian)